جنایات رژیم صهیونیستی در غزه علاوه بر نسل کشی، موجب جانبازی یک نسل نیز شده است

معلول‌سازی نسل غزه

سازمان‌های حقوق بشری با اشاره به اینکه روزانه ۱۰ کودک در غزه در معرض قطع پا قرار می گیرند، اعلام کرد که بیشتر اعمال جراحی وقطع عضو کودکان در غزه بدون بیهوشی انجام می شود.

به گزارش فارس: درست نزدیکی بزرگراه اقاقیا در پایتخت قطر، دوحه، یک مجتمع آپارتمانی سه طبقه وسفیدکاری شده وجوددارد که برای میزبانی از بازدیدکنندگان در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ ساخته شده بود. تا همین اواخر، مجتمع خالی از سکنه بود. بااین حال، درچندماه گذشته، توافقی راقطر با اسرائیل، حماس و مصر برای تخلیه هزار و پانصد زخمی ساکن غزه که نیاز فوری به مراقبت های پزشکی داشتند، منعقد کرده است. ساکنان جدید ۸۱۵ نفر از جنگ جاری به همراه ۵۴۲ نفر از بستگانشان هستند. بیشتر ساکنان، زنان و کودکان هستند. یک بعدازظهر در ماه فوریه، ۳۰ کودک در حیاط مجتمع مسابقه می دادند و مشغول بازی بودند. عده‌ای دوچرخه واسکوتر سوار شده بودند. یکی از آنها روی چوب گلف سوار شده بود. بچه‌های کوچک، صندلی های چرخدار را با سرعت زیادی هل می دادند و کیسه هایی سبز و قهوه‌ای را که روی زمین حیاط بازی پراکنده بودند، کنار می کشیدند. بسیاری از این کودکان را می دیدی که اعضای بدن خود را از دست داده بودند. پسرها شروع کردند به دعوا بادخترها برسر اینکه چه کسی فضای بیشتری برای بازی دارد. کارگران وسیله‌ای که شبیه یک رنگین کمان بود را به داخل میدان بازی کشیدند. صدای جیغ بچه ها بلند شد. در حیاط یک سرسره بود به همراه چرخ دستی هایی پر از بستنی، شکلات داغ، ذرت بو داده، آب نبات و فلافل که به بچه ها می دادند.

حیاط بازی کودکان قطع عضو

درمیان بچه ها غزال بکر، کودک چهارساله‌ای بود که یک لباس ورزشی زیبای آدیداس به رنگ قهوه‌ای به تن داشت و ساق شلوار چیش را در کمربندش گذاشته بود. او با عصبانیت روی پای راستش پرید. اگرچه نام غزال در زبان عربی به معنای «شیرین زبان» است، اما غزال با صراحت تمام گفت: «من تو را دوست ندارم!». او در حالی که از کنار ویلچر همسایه هجده ساله‌اش، دیناشهیبر، که پای چپ خود را از زیر زانو در جنگ، از دست داده بود، رد می شد، فریاد زد. غزال که تازه از خواب بیدار شده بود، علاقه چندانی به بستنی نداشت. درعوض، او می خواست کاری را که بیشتر بعدازظهرها انجام می داد، تکرار کند. فوتبال بازی کند و با پای راستش به توپ لگد بزند و به دنبال توپ بدود. «صبحت نکن!» او به داوطلبان خوش نیتی که دوراو بودند، اعلام کرد. «داری سرم را درد می آوری!» غزال در ۱۰ نوامبر هنگامی که خانواده‌اش از بیمارستان شفا شهرغزه فرار می کردند، ترکش به ساق پای چپ او خورده بود. یک پزشک برای جلوگیری از خونریزی که به ضد عفونی کننده یا داروی بیهوشی دسترسی نداشت، تیغه یک چاقوی آشپزخانه را گرم کرد و زخم او را سوزانده بود. درعرض چند روز، ضایعات چرکی جاری و شروع به متعفن شدن کرده بود. در اواسط ماه دسامبر، زمانی که خانواده غزال به مرکز پزشکی ناصر که در آن زمان بزرگترین مرکز مراقبت بهداشتی فعال در غزه بود، رسیدند، پای ترکش خورده غزال دچار قانقاریا و خون مردگی شده بود. باید پای چپ او قطع می شد.

روز ۱۷ دسامبر، یک موشک به بخش کودکان مرکز پزشکی ناصر اصابت کرد. غزال و مادرش نظاره گر برخورد موشک به اتاقشان بودند. موشک سر هم اتاقی ۱۲ ساله غزال را از تن جدا کرد و باعث فروریختن سقف شد (گزارش های متعدد خبری این رویداد را حمله اسرائیل توصیف کرده‌اند. در مقابل ارتش اسرائیل مدعی شد که این حادثه می تواند ناشی از خمپاره حماس یا بقایای آتش اسرائیلی باشد). غزال و مادرش موفق شدند از زیر آوار بیرون بیایند. روز بعد، نام آنها به لیست مهاجرانی اضافه شد که می توانستند از مرز مصر عبور کرده و سپس برای مداوا به قطر پرواز کنند. مادر غزال یک بچه ۹ ماهه را باردار بود. او در حالی که منتظر انتقال هوایی به دوحه بود، دختری به دنیا آورد. یونیسف تخمین می زند که هزار کودک در غزه از زمان آغاز درگیری در ماه اکتبر دچار قطع عضو شده‌اند. غسان ابوسطح، جراح پلاستیک و ترمیمی ساکن لندن که در حیطه آسیب های وارده به کودکان متخصص است، به تازگی گفته است: «این بزرگترین گروه از قطع عضوهای کودکان در تاریخ است». من اورا در اتاق انتظار کلینیک جراحی پلاستیکس در خیابان هارلی لندن ملاقات کردم و برای نوشیدن یک فنجان قهوه به کافه‌ای در نزدیکی کلینیکش رفتیم. ابوسطح، یک فلسطینی ۵۴ ساله بریتانیایی با چهره‌ای نسبتا شکسته و چشمانی ظریف و عمیق، در ۳۰ سال گذشته کودکان بازمانده از جنگ را در عراق، یمن، سوریه و جاهای دیگر درمان کرده است.

ابوسطح نویسنده کتاب «کودک مجروح جنگ»، اولین کتاب درسی پزشکی در این زمینه است که درماه می گذشته منتشرشد. او در ماه های اکتبر ونوامبر، ۴۳ روز را در غزه گذراند و با پزشکان بدون مرز، جراحی های اضطراری انجام داد. او بین دو بیمارستان رفت و آمد می کرد. بیمارستان های شفا و الاهلی که به بیمارستان باپتیست نیز معروف است. میزان تلفات به قدری بالا بود که او در برخی حملات شدید اسرائیل، سه روز اتاق عمل را ترک نکرده بود. او گفت: «مثل صحنه‌ای از یک فیلم جنگ داخلی آمریکا بود». در غزه، ابوسطح هر روز ۶ قطع عضو انجام می داد. او توضیح داد: «گاهی اوقات شما هیچ گزینه پزشکی دیگری ندارید. اسرائیلی ها محل بانک خون را محاصره کرده بودند، بنابراین ما نمی توانستیم انتقال خون انجام دهیم. اگر عضوی به شدت خونریزی می کرد، باید قطع می شد. کمبود تجهیزات اولیه پزشکی به دلیل محاصره، نیز منجر به افزایش تعداد قطع عضوها شده بود». در اثر نشستن فوری زخم در اتاق عمل، عفونت و قانقاریا غالب ایجاد می شود. کارین هاستر، پرستاری که تیم های درمانی پزشکان بدون مرز را در غزه رهبری می کند، به من گفت: «هر زخم جنگی کثیف تلقی می شود. این بدان معناست که بسیاری از آنها باید به اتاق عمل برده شوند». ابوسطح و سایر کادر پزشکی برای نشان دادن سنگینی این ضایعه، اعضای بریده شده کودکان را در جعبه های مقوایی کوچک قرار دادند. آنها روی جعبه ها، برچسب زدند و روی آن نام و قسمتی از بدن را نوشتند و دفن کردند.

تخریب مراکز ساخت پروتز غزه توسط اسرائیل

در کافه، او یکی از عکس هایی را که از داخل جعبه برداشته بود، به من نشان داد که روی آن نوشته شده بود: «صلاحدین، پا». او افزود که: «برخی از کودکان مجروح برای دانستن نام خود بسیار کوچک بودند». در ادامه او داستان یک فرد قطع عضو را گفت که به عنوان تنها بازمانده حمله، از زیر آوار بیرون کشیده شده بود. ابوسطح به من گفت که این تعداد قطعی عضو، پیامدهایی را در بلندمدت دارد و نگرانی های خود را بیان کرد. نیروهای اسرائیلی تنها مرکز غزه برای ساخت پروتز و توانبخشی، بیمارستان حمد را که در سال ۲۰۱۹ و با حمایت مالی قطر افتتاح شد، تخریب کردند. یک شرکت آلمانی تولید کننده پیشرو پروتز کودک، مشغول تأمین قطعات لازم اندام مصنوعی برای کودکان تا سن ۱۶ سالگی است؛ بااین حال، تهیه پروتزتنها اولین قدم است. ابوسطح گفت: «کودکان قطع عضو هر ۶ ماه یک بار به مراقبت های پزشکی نیاز دارند. از آنجایی که استخوان سریعتر رشد می کند و اعصاب قطع شده اغلب به طور دردناکی به پوست می چسبند، کودکان قطع عضو نیاز به مداخلات جراحی مداوم دارند. طبق تجربه او، هر اندام به هشت تا دوازده عمل جراحی دیگر نیاز دارد. برای ردیابی این گروه، ابوسطح با مرکز مطالعات آسیب ناشی از انفجار در امپرال کالج لندن و مؤسسه بهداشت جهانی در دانشگاه آمریکایی بیروت مشورت کرده بود. هدف آنها ایجاد یک پایگاه داده از سوابق پزشکی است که بتواند روند درمانی این کودکان را هر کجا که می روند، پیگیری کند. این افراد قطع عضو تا آخر عمر به پاسخ هایی در مورد سابقه پزشکی خود نیاز دارند. ابوسطح می داند که چگونه این کار را انجام دهد. او برای سال ها، به عنوان جراح آسیب های کودکان، با بیماران سابق خود تماس می گرفت.

ابوسطح که به تازگی برای مشاوره به قطر سفر کرده بود، به یاد می آورد که با پسر ۱۴ ساله‌ای ملاقات کرده بود که پس از گیر افتادن در زیر آوار پای خود را از دست داده بود. او یک روز را زیر آوار گذرانده بود و دست مادر مرده‌اش را گرفته بود. او گفت: «اینها افراد آسیب پذیر در میان طوفانی از حوادث دردناک هستند». برای پرکردن ساعات خالی کودکان، داوطلبان و کارمندان دولت از وزارت توسعه اجتماعی و خانواده قطر در حال ایجاد کلاس های هنر، موسیقی و ورزش درمانی برای کودکان بودند. زنان کودکان را به سمت یک میز تاشو راهنمایی می کردند، جایی که یک نقاش، عکس نقاب های مرد عنکبوتی و پرچم های فلسطین را روی گونه هایشان ترسیم می کرد. سپس زنان به سمت کیسه های لوبیا رفتند و آن کیسه ها را به صورت دایره‌ای در آوردند. بیشتر زنان به فکر رفته بودند. در یک بعدازظهر آفتابی، با ایمان سوفان، یک داوطلب ۳۳ ساله فلسطینی که یک گروه هنری را رهبری می کرد، روی کیسه های لوبیا دراز کشیدم. سوفان به من گفت که برای تشویق بچه ها به ارتباط با یک چیزمثبت، از آنها خواسته بود تا مکان مورد علاقه خود در غزه نقاشی کنند. یک دختر هشت ساله خانه بزرگ و شاد خود را کشید، سپس در کنار آن یک گودال خون اضافه کرد. سوفان قسمتی از عکس را به من نشان داد که در آن نوشته شده بود: «جنگ غزه را نابود می کند. پدربزرگم شهید شده است. پدربزرگم شهید شده است. مادربزرگم شهید شده است. عمویم شهید شده است. پسرعمویم شهید شده است.»

وقتی صحبت می کردیم بچه های کنجکاو دور ما جمع می شدند. وقتی یک هواپیما از بالای سرشان می گذشت، آنها ثابت می ماندند و تماشا می کردند که هواپیما چگونه یک قوس در سراسر آسمان رسم می کند. یک روانشناس در مجتمع بعدا به من گفت که این عکس العمل در میان کودکانی که حملات هوایی را تجربه کرده بودند رایج بود. دوپسر که انگلیسی کمی می دانستند، برای طرح سوالات سیاسی وارد گفت‌وگو شدند. آنها اسامی رهبران جهان را فهرست کردند و ابروهای خود را بالا انداختند که ببینند من نیز این اسامی را می شناسم. «بایدن؟» آنها پرسیدند. «بلینکن؟». فکر می کردم چقدر بعید است که پسران آمریکایی هم سن و سال آنها نام وزیر امور خارجه آمریکا را بدانند، اما برای این بچه ها، چنین چهره هایی کاملا قدرتمند به نظر می رسید. برخی دیگر نیز حوصله صحبت با یک خبرنگار آمریکایی را داشتند. پسری به نام احمد در حالی که روی یک اسکوتر از کنارم می گذشت، با صورتش که در آن آثار ترکش دیده می شد، برسر من فریاد زد: «خدا حافظ!». کوچکترها که پیش آمده بودند، به زبان عربی از سوفان خواستند که داستان هایشان را ترجمه کند. شنیده بودند که من از دیگر بچه های مجروح سوال می پرسیدم و حالا می خواستند داستان های خود را تعریف کنند. مهند هشت ساله، روی ویلچرش نشسته بود. او گفت که پس از هم‌راهی پدرش برای خرید شکر، هنگامی که سقفی بر روی او در جریان حمله اسرائیل فروریخته بود، پای راست خود را از دست داده بود. مهند گفت که پدرش نیز به شدت مجروح شده بود. از او پرسیدم چیز مورد علاقه‌اش در قطر چیست؟ مهند با لبخند گفت: «خوشحالم که می توانم با افرادی که به من کمک کردند شخصا ملاقات کنم». با دو دستش روی سینه‌اش برای قدردانی به قلب ساخت.

دینا شهیبر، که همسایه غزال چهار ساله بود، روی ویلچر خود نشسته بود و به صحبت هایمان گوش می داد. او یک لباس ورزشی مخملی که روی آستینش نوشته شده بود «عالی»، پوشیده بود. او گفت: «اگر فکر می کنید این داستان غم انگیز است، باید داستان من را بشنوید». دینا یادش نبود چطور مجروح شد، فقط مثل مهند معتقد بود که تقصیر او بوده است. او به من گفت: «آن روز داخل خانه بودم». قبل از از دست دادن پایش، او مسئول تأمین آب شیرین برای خانواده‌اش بود. از پله ها بالا و پایین می رفت تا یک مخزن بزرگ روی پشت بام را دوباره پر کند. او با افتخار گفت: «من دست راست مادرم بودم. عمویم پرسیده بود که آیا می تواند مرا با پسرش عوض کند. اما حالا پسر عمویم مرده است و من هم پایم را از دست داده‌ام. من خیلی بی فایده هستم». بعد از ظهر همان روز، من با مادر غزال، ریدا نا زوخارا، ۲۴ ساله با چهره‌ای کودکانه، در اتاق نشیمنی با کاشی های سفید داخل آپارتمان دو خوابه ملاقات کردم. بلال، شوهر ریدانا، و پسر سه ساله اش، یوسف، در اردوگاه پناهندگان در رفح گیر افتاده‌اند. ریدانا که به ندرت آپارتمان را ترک می کند، برای اینکه خود را از نگرانی دائمی دور نگه دارد، وسایل کاملا جدید آشپزخانه مدرن را تمیز می کند. او هنوز از تصمیمی که برای تخلیه با غزال و دختر تازه متولد شده‌اش، آیلین گرفت، در حالی که پسرش در خطر بود، غمگین است. او گفت: «یوسف نمی تواند بفهمد که چرا غزل را برداشتم و او را پشت سر گذاشتم.»

صندلی های ناهارخوری را بالای میز مزرعه تکان داد تا زیر آن را جارو بزند. غزال در آپارتمان با آیلین که اکنون سه ماهه است بازی می کرد. آیلین کوچولوی چاق، با خوشرویی از زیر پتوی صورتی جیغ می زد. غزال هم یک عروسک باربی که لباس عروس برتن داشت، در دست داشت که داشت گریه می کرد. پای چپ پلاستیکی عروسک را پشت سرش تا کرد و او را روی زمین در سمت راست خود به راه انداخت. او اعلام کرد: «این غزال است وقتی ازدواج می کند.»

ریدانا نمی خواست غزال عروسک را به عنوان یک فرد قطع عضو نشان دهد. او به غزال یادآوری کرد که به زودی پای جدیدی خواهد داشت، اگرچه درک این موضوع برای کودک چهار ساله تقریبا غیرممکن به نظر می رسید. گاهی که غزال از رختخواب بلند می شد، سعی می کرد از پای چپ خود استفاده کند که در نتیجه زمین می افتاد. ریدانا گفت چنین لحظاتی سخت بود، اما غزال کمتر از پدر و برادرش برای پایش گریه می کرد. او بی وقفه از مادرش می پرسید که کی به دوحه می آیند؟ ریدانا درباره مقامات قطری گفت: «آنها به ما گفتند که می توانند در صورت آتش بس بیایند. اما این چه زمانی خواهد بود؟»

بلال و یوسف در رفح در چادری در نزدیکی مرز مصر زندگی می کنند. ریدانا گفت: «آنها در حال یخ زدن هستند. آنها هیچ سیگنال تلفنی در اردوگاه ندارند، بنابراین، بلال، بیشتر روزها، دائم در تلاش است تا فیلمی از یوسف برای همسرش بفرستد. دریکی از فیلم ها که ریدانا به من نشان داد، یوسف جیب هایش را پر از سنگ می کند و وانمود می کند که آنها پول هستند. در دیگری، او روی تشک خواب گل آلود دراز می کشد و پاسخی نمی دهد.

ریدانا زمزمه کرد: «او خیلی وزن کم کرده است و صورتش زرد شده است». در حالی که ما تماشا می کردیم، پیامی از طرف خواهرش که به تازگی در اردوگاه پناهندگان رفح زایمان کرده بود، در واتس اپ رسید. «حبیبی، خواهرم به خدا امید دارم که خوب باشید. لطفا عکس دخترا رو برام بفرستید دلم برای آن ها بسیار تنگ شده است. با شوهرت در ارتباط هستی؟» رفح خطرناک است، اما خانواده بیش از همه نگران جدایی یوسف از ریدانا هستند که لحظات سختی را برای مادرش رقم می زند. او سینی غذایش را دست نخورده رها می کند.

او می گوید: «وقتی پسرم غذا ندارد، چگونه می توانم غذا بخورم؟» برای خانواده های جدا شده و همچنین برای کسانی که در غزه به دام افتاده‌اند، مشکلات روانی این بحران همچنان رو به افزایش است. در طول چند ماه اول جنگ، برنامه سلامت روان جامعه غزه، سازمان پیشرو سلامت روان در نوار غزه، فعالیت خود را متوقف کرد. البته دو هفته پیش در رفح برخی از برنامه های خود را دوباره شروع کردند.

یاسر ابوجامعی، روانپزشک و رئیس این سازمان اخیرا از رفح به من گفت: «بیش از این نمی توانیم منتظر آتش بس برای مقابله با سلامت روان باشیم». ابوجامعی نیز آواره است و در چادری در رفح زندگی می کند. او و تیمی از ارائه دهندگان سلامت روان به اردوگاه می روند تا با خانواده ها صحبت کنند و کمک های اولیه روانی را انجام دهند. آنها با کودکان آسیب دیده کار می کنند و سعی می کنند به آنها کمک کنند. او گفت: «اگر ما نتوانیم یک مکان واقعی پیدا کنیم، به کودکان کمک می کنیم جایی امن را تصور کنند.»

آنها همچنین به والدینی که از رفتار نادرست فرزندانشان گیج شده‌اند مشاوره می دهند و با کمک سازمان بهداشت جهانی داروهای لازم را برای بزرگسالان فراهم می کنند. اگرچه این داروها مانند بسیاری از داروهای دیگر در نوار غزه، کمیاب هستند.

برنامه سلامت روان جامعه غزه علاوه بر ارائه درمان، مطالعات بالینی اثر تروماهای ناشی از حملات را در میان کودکان انجام داده است. سمیر قوتا، روانشناس که اکنون در مؤسسه دوحه تدریس می کند، درمورد موضوعاتی مانند رویاهای کودکان و رابطه بین تروما و دلبستگی مادری و همچنین جنبه های اصلی ایجاد تاب آوری تحقیق کرده است. قوتا یک روز بعد از ظهر در دفترش در دوحه به من گفت: «تجارب آسیب زا لزوما به کودکان آسیب نمی رساند. عوامل زیادی وجود دارد که اثر آسیب را کاهش می دهد. خلاقیت، داستان سرایی، ومهمتر از همه، پیوند قوی کودک با مادرش، از جمله این عوامل هستند.»

بااین حال، دخترش نشانه هایی از اضطراب را نشان می دهد. او از هرکسی که لباس سفید می پوشد دوری می کند زیرا آنها او را به یاد کارکنان بیمارستان می اندازند. او می خواهد که ریدانا در رختخوابش بخوابد و حتی در خواب هم مادرش را رها نمی کند. ریدانا گفت: «من حتی نمی توانم به دستشویی بروم».

سلسبیل زعید، یک روانشناس که با کودکان و خانواده ها در مجتمع کار می کند، به من گفت برای کودکانی که از دست دادن شدید را تجربه کرده‌اند، چنین مراقبت بیش از حد معمول است. او گفت که بسیاری از کودکان قطع عضو در دوحه از افسردگی، اضطراب، مشکل تمرکز، بی قراری، حالت تهوع، مشکل خواب، حملات اضطراب و ناامیدی رنج می برند. او افزود: «آنها واقعا احساس گناه می کنند. کودکان از نوعی احساس گناه رنج می برند، زیرا برخلاف دوستان واعضای خانواده، آنها به کشور دیگری رفته اند و نیازهای اولیه آنها برآورده شده است».

ریدانا غزال را به کلینیک سلامت روان مجتمع برده بود تا ببینند آیا غزال ممکن است از صحبت با یک درمانگر سود ببرد. اما، در قرار ملاقات، غزال تمام مدت گریه کرد و به مادرش گفت که او به سوالات پاسخ دهد. ریدانا گفت: «این باعث درد بیشتر او شد. او آنچه را که درمانگر در مورد دلبستگی به او گفته بود به یاد آورد. این پیوند مادری بین او و من، جزء جدایی ناپذیری برای آرام کردن غزال بود». ریدانا گفت: «در حال حاضر چیزی که او نیاز دارد این است که مادرش در کنارش باشد».

«روایت خبرنگار نیویورکر از کودکان قطع عضو شده در جنگ غزه»

آگهی ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران به موجب رای صادره شماره ۱۴۰۲/۱۲/۱۳-۱۴۰۲۶۰۳۰۱۱۴۵۰۰۱۰۱۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای منوچهر افشار به شماره شناسنامه ۳ فرزند عبدالله به ش.م ۴۹۱۱۳۶۷۴۸۲ متقاضی پرونده کلاسه ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۱۴۵۰۰۰۰۲۴ در قسمتی از پلاک ۱۳۹۲ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۰۹/۶۶ مترمربع به صورت شش‌دانگ محرز اعلام نموده است. لذا مفاد رای صادرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد تا در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافا اینکه معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می باشد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید. اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

طبق سوابق پلاک ثبتی ۱۱۶/۱۳۹۲ بازداشت از مرجع قضایی ندارد. در اجرای اعمال ماده ۷۱ اخبار موقت دارد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲
م الف ۱۰۰۰۷

محمد گلباغی-رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۴۶۲۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم لیلی سالک صفری فرزند جعفر به شماره شناسنامه ۲۲۹۷ صادره از رزن در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۸۴۲۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۱۹۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای رضا ترکانند جوزانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲
م الف ۱۰۰۰۲

خداداد بشیری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۵۱۹۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهروز شهبازی اولی کندی فرزند مرحمت به شماره شناسنامه ۸۰۴ صادره از مغان در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۴/۹۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۰۳۱۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۱۹۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حسین معصومی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲
م الف ۱۰۰۰۳

خداداد بشیری رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به اینکه هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران به موجب رای صادره شماره ۱۴۰۲/۱۲/۱۳-۱۴۰۲۶۰۳۰۱۱۴۵۰۰۱۰۱۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای منوچهر افشار به شماره شناسنامه ۳ فرزند عبدالله به شماره ملی ۴۹۱۱۳۶۷۴۸۲ متقاضی پرونده کلاسه ۱۳۹۹۱۱۴۴۰۱۱۴۵۰۰۰۰۲۳ در قسمتی از پلاک ۱۳۹۲ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۰۶/۲۱ مترمربع به صورت شش‌دانگ محرز اعلام نموده است. لذا مفاد رای صادرالذکر با استناد ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد تا در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد تهران تسلیم و رسید دریافت دارند مضافا اینکه معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید در این صورت اقدامات اداره ثبت موکول به رای دادگاه می باشد و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل وقوع ملک را ارائه ننماید. اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید بدیهی است صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

طبق سوابق پلاک ثبتی ۱۱۶/۱۳۹۲ بازداشت از مرجع قضایی ندارد. در اجرای اعمال ماده ۷۱ اخبار موقت دارد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲
م الف ۱۰۰۰۵

محمد گلباغی-رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۱۹۹۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در تهران بخش حوزه ثبت فشم با تائید حدود ذیل صادر می نماید شمالا درب و سیم توریست به طول ۱۲/۸۷ متر به گذر احداثی با عرض موجود شرقا سیم توریست به طول ۶۹/۱۴ متر به پلاک ۵۵۶۷ فرعی از ۴۰۶ فرعی و باقیمانده پلاک مذکور جنوبا دیوار سنگی و سیم توریست به طول ۱۷/۶۴ متر به پلاک ۳۹۸ ولی غربا سیم توریست به طول ۶۶/۱۵ متر به پلاک ۴۰۴ فرعی سید حلیمه حقوق ارتفاقی به شرح نامه اداره آب شمیرانات که رعایت آن در زمان اجرای رای صدور سند مالکیت از طرف اداره ثبت الزامی می باشد ضمنا کل پلاک در حریم کیفی رودخانه قرار دارد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

امیرحسین آذرنیان-سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فشم

م الف ۱۰۰۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۱۹۹۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک فشم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید فاضل میراسمعیلی به ش.ش ۲۹ دارای کد ملی ۰۴۵۳۲۰۱۲۲۹ صادره از شمیران فرزند سید مجید برابریک فقره اظهارنامه بنام خانم ماه بانو فرزند استاد علی مع الواسطه به آقای سید فاضل میراسمعیلی در قسمتی از ششدانگ به میزان سه دانگ مشاع از ششدانگ به مساحت ۹۹۷/۹۵ مترمربع زمین مشجر محصور به پلاک ۴۰۵ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت فشم با تائید حدود ذیل صادر می نماید شمالا درب و سیم توریست به طول ۱۲/۸۷ متر به گذر احداثی با عرض موجود شرقا سیم توریست به طول ۶۹/۱۴ متر به پلاک ۵۵۶۷ فرعی از ۴۰۶ فرعی و باقیمانده پلاک مذکور جنوبا دیوار سنگی و سیم توریست به طول ۱۷/۶۴ متر به پلاک ۳۹۸ ولی غربا سیم توریست به طول ۶۶/۱۵ متر به پلاک ۴۰۴ فرعی سید حلیمه حقوق ارتفاقی به شرح نامه اداره آب شمیرانات که رعایت آن در زمان اجرای رای صدور سند مالکیت از طرف اداره ثبت الزامی می باشد ضمنا کل پلاک در حریم کیفی رودخانه قرار دارد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

امیرحسین آذرنیان-سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فشم

م الف ۱۰۰۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۲/۲

آگهی فقدان سند مالکیت به پلاک ثبتی ۵۹۲۸ فرعی از ۲۴۲۶ بخش ده تهران

نظر به اینکه وراث مرحوم قربان رحمن پور و وراث جبرائیل رحمن پور با شماره ۳۷۳۸۹ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۱ دفتر ۴